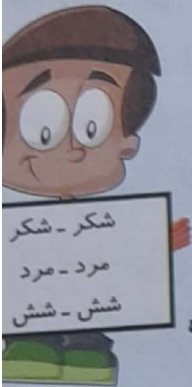


دو بلدرچین همراه جوجه‌های خود در کشتزاری زندگی می‌کردند. روزی صاحب آنجا که یک مرد برزگر است، تصمیم می‌گیرد که کشتزار را درو کند. اگر کشتزار درو شود لانه‌ی بلدرچین‌ها خراب می‌شود. تا زمانی که برزگر منتظر کمک دیگران است، تهدیدی برای لانه‌ی آن‌ها نیست اما زمانی که تصمیم می‌گیرد خودش به همراه پسرش کشتزار را درو کند دیگر زمانی است که آن‌ها باید به دنبال لانه‌ی تازه‌ای باشند. چون حتماً کار انجام خواهد گرفت و لانه‌ی آن‌ها خراب خواهد شد.

بخوان و بدان



درنا روی یک تکه کاغذ برای برادرش نوشت: «می‌شه از روی میز قوطی کرم را به من بدی؟» و کاغذ رو به شکل موشک درآورد و به سمت برادرش پرتاب کرد. برنا موشک رو گرفت و باز کرد و با تعجب گفت: «کرم؟!»، درنا خندید و گفت: حق داری کرم و کرم مثل هم نوشته می‌شن اما مثل هم خونده نمی‌شن. منظور من قوطی کرم بود. هر دو خندیدند و شروع کردند به پیدا کردن و گفتن کلمات دیگری که مثل هم نوشته می‌شوند، اما مثل هم خوانده نمی‌شوند.



مثال: من با شکر چای خود را شیرین می‌کنم. من خدا را شکر می‌کنم.

گل‌ها در باغ روییدند. وقتی باران بارید خاک باغچه گل شد.

من شش کتاب دارم. ما انسان‌ها با شش تنفس می‌کنیم.

هر گاه کاری همین حالا انجام شود، می‌گوییم در «زمان حال» انجام شده است.

اگر در جمله‌ای از کلماتی مانند «الان، همین حالا، اکنون، همین الان، هم اکنون، حالا و ...» استفاده شده

باشد، آن جمله مربوط به (زمان حال) است.

معمولاً فعل زمان حال «می» دارد.

«بند» از چند جمله‌ی مربوط به هم ساخته شده است.



نکته

